

آیا سه تحول بزرگ در جهان ، طلوع امید صلح در افغانستان میباشد؟

در چند روز اخیر بین 14 تا 16 جولای 2015 میلادی شاهد سه تحول بزرگ در جهان بودیم . در یک نظر عادی چنان مینماید که این موضوعات با هم هیچ ارتباطی ندارند اما اگر بتوانیم جهان را یک دهکده کوچک خطاب کنیم یک نوع نتیجه گیری مشترک از آن حاصل میگردد که شاید سه تحول در جهان ، گره گشای قفل صلح در افغانستان باشد . ما مردم افغانستان که شاهد نزدیک به چهار دهه جنگ ، خون ریزی و ده ها بدبختی دیگر بودیم هر گاه جزئیترین روزنه را در دور دستها هم میبینیم امیدوار میشویم و یا دل خود را به آن خوش میسازیم که این بار صلح در افغانستان روی نما میگردد و مردم ما نفسی به راحتی خواهند کشید . هر چند با تجارب گذشته به خود میگوئیم که زیاد خوشبین بودن هم مناسب نیست . باز هم خواستیم راجع به سه تحول یا هر عنوان دیگری که به آن میدهید ؛ چند سطر بنویسم و در نتیجه گیری آن اقلاً توانسته باشم که افکار شما را جلب تا از بین نظریات متنوع بهترین ها قدردانی گردد . سه تحول نسبتاً بزرگ در یک فرصت کوتاه زمانی چنین میباشد .

اول- امضاتوافق نامه بین ایران وکشورهای پنج به اضافه یک بر موضوع اتمی ایران
دوم - تیریکی عیدسعید فطرتوسط ملاعمر رهبرطالبان بالحن و پیام متفاوت نسبت به اعلامیه ها و پیام های گذشته

سوم- بازگشت شماری از وزیران و مقامات ارشد امنیتی 'دولت در تبعید' یمن به کشورشان

اول- امضا توافقنامه: ایران از مدتها در تلاش است تا به یک قدرت اتمی تبدیل گردد . هر چند ادعا میکند هدف استفاده انرژی اتمی برای تولید برق و دیگر امور صلح آمیز است و هیچگاه در تلاش ساختن بمب اتم نمیباشد . اما این ادعای ایران مورد قبول قدرتهای جهان واقع نگردید و خشم و قهر آنها را به سرحدی رساند که تحریمهای شدید اقتصادی و تسلیحاتی را بر ایران وضع نمایند . تحریم ها تأثیر ناگواری متوجه مردم ایران ساخت و رژیم ایران اوضاع ناگوار و فشار اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی را روی شانه های خود شدیداً حس مینمود . دوام تحریمها خطر بزرگی برای رژیم محسوب شده و رهبر و حکومت ایران در تلاش شدند به هر وسیله ممکنه رفع تحریمها را میسر سازند . برای رفع تحریمها دوطرف قدرتهای بزرگ جهان وایران به میز تبادل افکار وچانه زنی ها نشستند و بعد از یک جریان طولانی سر انجام به تاریخ 14 جولای 2015 توافق نامه تاریخی بین ایران وکشور های پنج به علاوه یک امضا گردید . درین توافق نامه تاریخی در حقیقت هر دو طرف خود را برنده اعلام نمودند . امریکا و کشور های دیگر که نمیخواستند ایران قدرت اتمی گردد به این پیروزی دست یافتند که تا پانزده سال دیگر ازین پریشانی بی غم میباشند و بسیاری داشته های هسته ای ایران به حد قابل ملاحظه تخفیف می یابد . بارک حسین اوباما رئیس جمهور امریکا در کنفرانس مطبوعاتی 15 جولای 2015 چنین میگوید : « اولویت اصلی در مواجهه با ایران جلوگیری از دست یابی این کشور به سلاح اتمی بود که توافق هسته ای اخیر این هدف را تأمین میکند » رئیس جمهور آمریکا در پاسخ به این نگرانی که ایران ممکن است پنهانی به سمت سلاح اتمی برود گفت: « بر اساس تعهداتی که ایران پذیرفته، تمام معادن اورانیوم این کشور تحت نظر خواهد بود و در صورتی که بخشی از این اورانیوم بخواهد به مسیر مخفی برود، جامعه بین المللی متوجه خواهد شد... اگر ایران از تعهدات خود تخطی کند، تحریم های بین المللی به جای خود باز می گردد و جامعه بین المللی از تخطی ایران آگاه خواهد شد... این دقیق ترین سیستم بازرسی ای است که برقرار شده است... اگر ایران بخواهد به سمت دست یافتن به سلاح اتمی برود، دنیا یک سال فرصت خواهد داشت که جلوی آن را بگیرد»

از سوی دیگر ایران خود را موفق و پیروز اعلان مینماید که تحریم های اقتصادی رفع میگردد و ایران با استفاده از سرمایه که مسدود شده بود استفاده نموده و با پمپ نمودن بنزین به بازار های جهان و دستیابی به مواد و ضروریات کمپنی های بزرگ خود یکبار دیگر مائشین اقتصادی را به راه میاندازد و خطرات اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی دست از گریبان رژیم دور مینماید. هرچند مخالفان این توافق تاریخی در امریکا و ایران صحبت های این طرف و آن طرف مینمایند اما حقیقت این توافق بر جای خواهد ماند به حدی که رئیس جمهور امریکا بارک اوباما در کنفرانس خبری 15 جولای 2015 گفت اگر کانگرس امریکا برین توافق نامه رأی مثبت ندهد از حق ویتویش استفاده خواهد کرد .

سوال درین است که آیا ایران از سرمایه بدست آماده گروه های مثل حزب الله لبنان ، حوثی های یمن و دیگر فرقه های مذهبی در عراق ، سوریه و افغانستان را کمک تسلیحاتی ، سیاسی ، اقتصادی و استخباراتی خواهد کرد ؟ رئیس جمهور امریکا در کنفرانس خبری خود 15 جولای 2015 میلادی چنین میگوید : « مکانیسم هایی تحت قوانین بین المللی و از جمله در همین توافق وجود دارد که می توان با آن جلوی ارسال احتمالی سلاح از ایران به همپیمانانش مثل حزب الله لبنان یا حوثی های یمن را گرفت. او گفت که برای سلاح های معمولی پنج سال و برای سلاح های بالستیک به مدت هشت سال محدودیت هایی علیه ایران اعمال می شود. آقای اوباما گفت که قطعنامه های دیگری هم وجود دارد که می توان با اتکا به آنها ارسال سلاح از ایران برای گروه هایی مثل حزب الله را گرفت » بنابراین چنین معلوم میشود هر چند امضاتوافق نامه برای جلوگیری از ایران با اسلحه اتمی و رفع تحریم ها میباشد اما حقیقتاً در زیر کاسه نیم کاسه های نیز وجود دارد به این معنی که اگر در توافقنامه از قطع کمکهای تسلیحاتی ، اقتصادی ، سیاسی و استخباراتی ایران به گروه های هم پیمان مذهبی و فرقه ای یاد نشده است . اما این موضوعات برای امریکا و قدرتهای جهان بسیار مهم میباشد و ایران نیز در پانزده سال آینده فرصت کافی دارد که به همان راه یعنی قدرت تسلیحاتی اتمی تلاش نماید و فرقه های مذهبی را از هر نگاه بر ضد دیگران تمویل کند و یا برعکس کمک به مردم خود ، پیشرفت و ترقی ایران و رابطه حسنه و دوستانه در جهان را بر رویای قدرت جهانی شدن بر اساس مذهب ترجیح دهد. حالا باید صبر و چشم به نتایج آینده دوخت . از شواهد اولیه چنین برداشت میشود که روش ایران بر طرز دید دومی چربی میکند . طور معلوم صدر اعظم انگلستان دیروز اعلام داشت که سفارت انگلستان بزودی در تهران باز خواهد شد . آیا این یک مژده تغییر کلی بین قدرتهای جهان و ایران میباشد ؟ باید انتظار کشید تا آینده چه سرنوشتی را رقم میزند.

دوم - پیام تبریکی ملا عمر : پیامهای ملا عمر رهبر طالبان در گذشته شدیدالحن و جنگ آمیز بوده و بر عقیده مستحکم خروج خارجی ها از افغانستان هیچ انعطاف پذیری را در بر نداشته است همچنان واژه صلح و مذاکره با دولت اسلامی افغانستان که «دست نشانده و بی اختیار» یاد میشد؛ نزدیک به غیر ممکن جلوه مینمود . واقعا یک تفاوت بزرگ در پیام تاریخ 15 جولای 2015 ملا محمد عمر دیده میشود . حقیقت امر اینست که یک سلسله سعی و کوشش ها در ساحه داخلی و بین المللی برای آوردن صلح و امنیت در افغانستان دیده میشود . مذاکرات صلح بین طالبان و جمهوری اسلامی افغانستان هر چند غیر مستقیم جریان داشت برای اولین مرتبه رسمی در پاکستان شروع گردید. بی بی سی این خبر را چنین پخش میکند « به تاریخ 7 جولای در یک تحول بی پیشینه شش نماینده دولت افغانستان با فرستادگان طالبان که به نمایندگی از شورای رهبری کویته این گروه حضور داشتند، در شهرک تفریحی مری در حاشیه اسلام آباد پایتخت پاکستان چهار ساعت دیدار و گفت وگو کردند تا طلسم خودداری طالبان از پذیرش دولت افغانستان به عنوان طرف اصلی شکسته شود. برای گروه طالبان در ۱۴ سال گذشته طرف اصلی منازعه افغانستان آمریکا بوده است و دولت افغانستان را به رسمیت نشناخته است. »

نکته مهم درین صحبتها اینست که هر دو طرف یکدیگر را به رسمیت شناختند هر چند دیپلماتانه ادعای غیر رسمی را مینمایند . نکته دیگر اینکه رهبر طالبان بر مذاکرات با دولتی که در

گذشته «دست نشانده و بی‌اختیار» خطاب میکرد مهر صحه زده است ملا عمر در اعلامیه تبریکی عید سعید فطر به تاریخ 15 جولای 2015 میلادی با یک تحول و تغییر بزرگ در طرز گفتار جنبه های دینی و رفتار حضرت محمد (ص) را مثال آورده پیرامون صلح با دولت افغانستان در حالیکه هنوز کلمه «دشمن» را خطاب مینماید چنین میگوید: «در کنار جهاد مسلحانه، رسیدن به هدف مقدس خویش از راه های صلح آمیز و فعالیت سیاسی یک امر مشروع و بخش مهم سیاست نبوی است. اگر ما رهنمودهای شرعی را با دقت تحت غور بگیریم، مشاهده می‌کنیم که دید و بازدید یا هم در بعضی مواقع تعامل صلح آمیز با دشمن مانعی ندارد، بلکه مانع اینست که از موقف عالی اسلام تنزل صورت گیرد و اوامر شرعی زیر پا گردد» ملا عمر در پیام خود افزوده است: «من به همه شما اطمینان می‌دهم که در هر کنج و کنار کشور پیشرفت‌های انجام شده مشروع حفظ خواهد شد، دارایی‌های ملی و دستاوردها و پیشرفت‌های بخش خصوصی محفوظ خواهد بود، به حیثیت اقوام و شخصیت‌های کشور احترام گذاشته خواهد شد.» رهبر طالبان ادعا کرده است: «بعضی افراد به شکل نادرست و بدون کدام دلیل موجه امارت اسلامی را مخالف با پیشرفت‌های جدید، علوم و وسائل عصری می‌دانند، در حالیکه در زمان حاکمیت امارت اسلامی تعداد مکاتب (مدارس) و مؤسسات تحصیلات عالی (آموزش عالی) و مصارف آن از مدارس دینی بیشتر بود.»

ملا عمر درین بیانیه از باز نمودن دفتر سیاسی قطر یاد میکند به این معنی که دروازه صحبت های سیاسی باز است. «دفتر قطر برای فعالیت‌های سیاسی ایجاد شده که مسئولیت تمام امور سیاسی را به دوش دارد» ملا عمر درین پیام مطالبی را بیان نموده که برای آگاهان سیاسی جدید و خبر ساز میباشد. لحن پیام بسیار نرم و در پنج زبان فارسی، پشتو، عربی، انگلیسی و اردو در وبسایت طالبان منتشر شده مهر صحه بر گفت گویای صلح افغانستان زده است.

سوم - تحولات در یمن: خبر مهم که در شمار سه تحول در یک مقطع کوتاه زمانی بوقوع پیوسته است باز گشت شماری از وزیران ارشد امنیتی «دولت در تبعید» یمن به کشور شان بتاریخ 16 جولای 2015 میباشد. جنجال های یمن هر چند سابقه طولانی دارد اما از سپتمبر 2014 میلادی حملات مسلحانه حوثی ها به پشتیبانی نظامی، سیاسی و اقتصادی ایران شدت گرفت و حوثی ها بعد از اینکه پایتخت شهر صنعا را به تصرف خود در آوردند رئیس جمهور عبد ربه منصور هادی به شهر عدن پناه برد و سرانجام رئیس جمهور یمن عبد ربه منصور هادی با شماری از وزیران و مقامات ارشد یمن در ماه مارچ 2015 میلادی در زیر فشار حملات حوثی ها و پیشروی های شان بسوی شهر عدن کشور را ترک ورئیس جمهور در عربستان پناهنده شد. اخیراً که حوثی ها از عدن ونواحی آن عقب نشینی نمودند و نیروهای وفادار به رئیس جمهور تبعیدی عبدربه منصور هادی مناطق مهم از جمله میدان هوایی را به تصرف خود در آوردند و سرانجام به تاریخ 17 جولای 2015 میلادی شهر عدن توسط نیروهای وفادار به عبد ربه منصور هادی فتح گردیدو شرایط برای فعالیت‌های بشردوستانه حکومت قانونی یمن میسر شد. جنگ‌های شدید حوثی ها با دولت و تلفات بی سابقه در یمن، همچنان که یک جنگ داخلی یاد میشود در یک بعد بزرگتر پای دو کشور ایران و عربستان در آن شدیداً دخیل میباشد. ایران حوثی ها را بنا بر همپیمانی اعتقادات مذهبی کمک نظامی، سیاسی، استخباراتی و تسلیحاتی مینماید و عربستان سعودی با بعضی اختلافات تاریخی مرزی با یمن و همچنان جلوگیری از نفوذ ایران و قدرت اقلیت حوثی در یمن خطر را در مرز های خود احساس نموده و برای جلوگیری از پیشروی اقلیت حوثی ها در یمن و خطر بزرگتر به عربستان اقدامات جدی نموده وبا کمک چند کشور عربی که از پیشروی و قدرتمندی ایران در منطقه خطرات بزرگ را حس میکنند همبستگی نظامی را ترتیب وبا مباردمانهای هوایی مواضع حوثی ها را نشانه قرار میدهند. در حالیکه مواضع نظامی حوثی ها را تخریب میگردد صدها نفر از مردم بی گناه یمن نیز جان های خود را در زیر بمباردمانهای هوایی عربستان و جنگ‌های فرقه ای و مذهبی از دست داده اند. درین جنگ نیابتی ایران و عربستان در یمن

بازنده مردم یمن میباشند . امروز ۲۱ میلیون نفر از مردم یمن به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. حدود ۱۳ میلیون با کمبود غذا مواجه هستند و ۹ میلیون نفر هم مشکل دسترسی به آب دارند. جنگ‌های نیابتی و یا بهتر بگوییم جنگ‌های مذهبی در چندین کشور عراق ، سوریه ، لبنان ، بحرین ، یمن ... چنان شدت گرفته که هر روز تعداد زیادی زیر شلاق آن جانهای شیرین خود را از دست میدهند و قدرتهای بیرونی ازین جنگها نفع خود را برده با فروش اسلحه ویر هم زدن نظم عمومی حد اعظمی استفاده را مینمایند . اما باز گشت وزیران دولت در تبعید یمن به وطن شان و عقب نشینی حوثی ها و فتح عدن نشانه از یک تحول بزرگتر است که با توافق نامه تاریخی ایران با قدرتهای پنج به علاوه یک هر چند ثبت نشده است اما ارتباط مستقیم و مستحکم دارد. درین چند روز آینده معلوم میگردد که ایران مثل گذشته در پهلوی حوثی ها از نگاه تسلیحاتی ، اقتصادی سیاسی و استخباراتی همسنگر میشود و یا سیاست و روش تازه را دنبال مینماید.

بادر نظر داشت سه تحول بزرگ در سه منطقه مختلف در سه روز ، گمان بر آن میرود که جنگ ها از افغانستان ، عراق ، سوریه تا یمن و مداخله مستقیم عربستان و ایران و حضور گروه‌های مثل داعش ، القاعده ، حزب الله ، حوثی ها و طالبان سر انجام از کنترل عمومی حتی کشور های که در تشکیل آنها نقش اساسی دارد ؛ خارج و بحران عمومی به یک معطله ناخواسته جهانی تبدیل میگردد. برای کنترل این بحران بزرگ غیر مستقیم شاهد تحولاتی میباشیم که جنگ‌های وسیع با ساحه بزرگ جغرافیائی را میخواهند کوچکتر بسازند تا کنترل آن در ید قدرت شان باشد به این ترتیب هم لعل بدست آید و هم یار نرجد. آنچنان که از زبان رهبران کشور های قدرتمند جهان بیان گردیده جنگ‌های عراق و سوریه در مقابل داعش طولانی و شکست داعش به زودی میسر خواهد بود بنا برین آنچه امکان محار نمودن آن نسبی میسر خواهد بود جنگ‌های افغانستان و یمن میباشند و با امضا توافق نامه تاریخی بین ایران و کشورهای پنج به علاوه یک شرایط بهتری برای کوتاه ساختن دستهای ایران و عربستان از جنگ‌های یمن بطور خاص میسر مییابد . ایران آنچه کمرش را شکستاده بود یعنی تحریمها رفع میگردد و برای جلوگیری از راه و روشی که تحریمها را دوباره متوجه ایران بسازد ورژیم را به خطر مواجه نماید شاید کمک های بی شائبه به حوثی ها را که خار بینی عربستان سعودی مییابد محدود و یا قطع نموده و عربستان با حضور رهبری عبد ربه منصور هادی از جنجال حوثی ها نجات پیدا نماید . محدودیت قدرت ایران تأثیر مستقیم بر اوضاع افغانستان نیز دارد بر علاوه حضور داعش در افغانستان در نخستین مراحل خود مییابد و پیش از اینکه مثل عراق و سوریه مناطق بزرگی را در اختیار گیرند و فعالیت‌هایشان شکل گسترده مثل عراق و سوریه را بگیرد بهتر آن خواهد بود که از موقف انعطاف پذیر و آرامش نسبی و قبول صحبت‌های صلح امیز ملا محمد عمر رهبر طالبان استفاده اعظمی را نموده بر جنگ‌های طولانی افغانستان سرانجام نکته نهائی و ختم گذاشته شود . قدرتهای بزرگ جهان در رهبری امریکا نیز شاید نخواهند که از افغانستان با حضور داعش ، عراق دیگری ساخته شود و شکست یک دهه مصارف هنگفت و تلفات جوانان خود را یکبار دیگر تجربه و ثبت تاریخ نماید شاید بهترین موقع برای امریکاباشد که خود را موفقانه ازین معطله نجات دهد. در حالیکه عربستان سعودی از توافقنامه ایران استقبال نمود پاکستان نیز با طالبان پاکستانی هر روز دست و پنجه نرم میکند و ثبات افغانستان رگهای اقتصادی گاز و برق کشور های شمال افغانستان را بسوی پاکستان باز و در ساحه بین الملل بجای مهماندار ویا مربی لانه های تروریستی به کشور صلح آمیز تبدیل خواهد شد همه و همه دست بدست هم داده در حالیکه سه بحران از نگاه جغرافیائی و خصوصیات دیگر باهم متفاوت معلوم میشوند اما در حقیقت با هم ارتباط مستحکم داشته و امید باز نمودن قفل معطلات یک کلید خواهد بود. در روند تحولات اگر همه دانه های تخته شطرنج به جای مناسب قرار گیرند برنده درجه اول افغانستان خواهد بود. پس چه باید کرد تا نتیجه مثبت بدست آوریم .

مذاکرات صلح با طالبان ایجاب دقت عمیق را مینماید اولاً مذاکره کنندگان طرف جمهوری اسلامی افغانستان باید شخصیتهای عالم، با تجربه، و وطندوست و سیاستمدار باشند و برای اینکه در مباحث دینی همتای قوی حضور داشته باشد دونفر علمای جید و روشن دینی این هیأت را همراهی نمایند. متأسفانه و بدبختانه شش نفر که در مذاکرات صلح با طالبان به نمایندگی جمهوری اسلامی افغانستان اشتراک میکنند بعضی از دیدگاه سیاسی ضعیف و کم تجربه و اکثر آنها نمایندگان یک حزب، شخص و یا فرقه قومی و مذهبی میباشند این چنین اشخاص کمتر نفع عمومی افغانستان را در نظر دارند برعلاوه بعضی در گذشته نوکری و غلامی روسها، انگلیسها و امریکائی ها را قبول و وابستگی های مستحکم با پاکستان و ایران دارند که شخصیت های مناسب و مفید در روند مذاکرات صلح با طالبان نمیتوانند باشند.

این حقایق تلخ ضعف طرف دولت افغانستان را در مذاکرات صلح نشان میدهد. برای رفع این نقیصه هنوز فرصت کافی تا روند دوم مذاکرات صلح با طالبان باقیست امید میرود رهبران افغانستان اختلافات شخصی و گروهی را کنار گذاشته مصالح عمومی را محترم و در انتخاب اشخاص مناسب در مذاکرات صلح از هوشیاری کار بگیرند. در مذاکرات صلح اشخاص قوی ملی و دینی با ده ها خصوصیات حسنه ضرورت است تا بتوانند از نگاه سیاسی و دینی با طالبان همسری نمایند و از دست آورد های نسبی آزادی بیان، رسانه های گروهی، دینی و حق تحصیل دختران با شجاعت و استدلال قوی دفاع نمایند.

نکته مهم دیگر چانه زنی ها در روند مذاکرات صلح با طالبان میباشد بدون شک هر دو طرف خواسته های دارند. دولت افغانستان نکات ضعف فراوان دارد که در مقابل خواسته های طالبان مجبور به قبول بسا خواسته های غیر قابل پذیرش آنها خواهد گردید. بطور مثال اگر طالبان بر فساد اداری و حضور مشاورین و وزرا که در گذشته غرق در فساد و یا متهم به خیانت ملی، وطن فروشی و ظلم و ستم بودند؛ انگشت انتقادگذارند. این طرف باید تا یک اندازه درین فرصت کوتاه خانه پاکی نمایند نه اینکه برای چشم پوشی از عیوب خود برای طالبان امتیاز قایل شوند.

در اخیر امید به درگاه الله مهربان دارم که جنگها و خانه ویرانی ها را از افغانستان برای همیشه دورساخته وطن ما را مهد صلح امنیت آزادی و آبادی گرداند تا مردم شهید پرور افغانستان بعد از نزدیک به چهار دهه نفسی به راحتی کشیده و با سعادت کامرانی و موفقیت زندگی را دنبال نمایند و در پایان به عنوان این نوشته برمیگردیم و میخواهم این سوال را متوجه فرد فرد شما نمایم و به امید جواب ها و تحلیل های عالمانه شما لحظه شماری میکنم. بلی ای خواننده عزیز! آیا سه تحول بزرگ در جهان، طلوع امید صلح در افغانستان میباشد؟